

## زن و جایگاه زن

نویسنده: مولانظر "حقدوست"

1393/12/12



مقام و موقعیت زن در جامعه بشری، ارج نهادن به او به عنوان رکن مهم خانواده انسانی، فرصت دادن به او برای اعمال اراده و نظر در مسایل شخصی و اجتماعی و رفع تبعیض های گوناگون در حقوق و امتیازات بین زن و مرد، مساله یی است، که در طول تاریخ بشری همواره مطرح بوده است، زنان همیشه این احساس را داشته اند، که برخی از مردان، حقوق آنان را محترم نشمرده به منزلت انسانی شان که همپایه مردان است، توجه نکرده بخصوص در اداره امور جامعه به آنها حق مشارکت و ابراز نظر و اعمال اراده را نداده اند.

در قرآنکریم در سوره نساء آیه یک چنین تذکر داده شده " مرد و زن را از لحاظ خلقت از یک جنس و در اصل گوهر انسانی یکی میدانند، در هیچ یک از آیات مربوط به خلقت انسان اشاره یی به کاملتر بودن مرد و نقص و کمبود در خلقت زن دیده نمیشود، چنانچه در آیت مبارک آمده است: ای مردم پیرهیزید و بترسید از خدایی که شما را از نفس واحد آفرید و همسرش را نیز از او خلق کرد و از آن دو، زنان و مردان زیادی را منتشر نموده" از نظر فضیلت و کرامت و دارا شدن ارزش های والای انسانی و مقام معنوی و توانایی کسب صفات عالیه، در تعبیرات قرآنکریم تفاوتی بین مرد و زن دیده

نمیشود. در قرآن مجید از مرد بعنوان پدر و از زن بعنوان مادر نام برده شده است و فرزند مکلف گردیده که به آن ها احترام و نیکی کند.

انسان موجود اجتماعی است که هرگز نمیتواند در تنهایی مطلق زندگی نماید و یک رابطه عاطفی بین انسان ها برقرار است. در واقع همین رابطه عاطفی انسان است که از نسلی به نسل دیگر انتقال میابد و نوع انسان را با مفاهیمی از قبیل حق فرزندان بر پدر و مادر، حق پدر و مادر بر فرزندان، حق زنان بر شوهران حق شوهران بر زنان، حق افراد بر جامعه، حق جامعه بر افراد و غیره آشنایی سازد و مفهوم حق و وظیفه را در ذهن انسان ها حک میکند.

نخستین حق دختران بر پدران و مادران شان این است، که هرگز در میان دختر و پسر طوری فرق نگذارند، که دختر احساس تبعیض و خود فروتر بینی کند و این تصور نادرست در ذهنش شکل بگیرد، که اگر پسر میبود از بسا امتیازها برخوردار میشد، که اکنون بدلیل دختر بودن خواهد آن ها برخوردار نیست.

روز هشتم مارچ روزی است، که زنان در گوشه گوشه جهان با حقوق خود آشنا میشوند و با قاطعیت بر ضد ازدواج های اجباری و دیگر عنعنه های ناپسند و غیر اسلامی دست و پا گیر مبارزه مینمایند. حق تعلیم و تربیه مساوی و فارغ از تبعیض، حق رقابت آزاد در کسب مشاغل اجتماعی مناسب، حقوقی است که زنان باید در راه حصول آن مبارزه نمایند.

زن به مثابه مادر در پرورش و تربیت افراد جامعه نقش بارز و اساسی دارد و دارای حقوقی است، که دین مبین اسلام و قوانین نافذ کشور بر ایشان داده است و تمامی افراد جامعه مکلف اند تا رعایت آن را وظیفه اساسی و مهم دانسته، در پیروی از آن غفلت ننمایند. زنان نباید از تحصیل و سایر حقوق شان محروم شوند، زیرا همین زنان استند که با تقدیم فرزندان شایسته، چون علماء، دانشمندان، مخترعان و مکتشفان در رفا و آبادانی جوامع، نقش سازنده ئی را ایفا میکنند.

آیا میدانید پیوستن و ایمان آوردن به دین مبین اسلام که امروز بیش از دو میلیارد انسان در جهان هواخوا دارد، آغازش از کدام فرد بود؟

پذیرفتن دین مبین اسلام از یک زن شروع شد. مادر مومنان "بی بی خدیجه (رض)" نخستین کسی است که قبل از هر کس شایستگی دریافت تبلیغ پیامبر بزرگ اسلام را داشت و ازینرو نخستین فرد مسلمان در جهان بشمار میرود و آیا میدانید که نخستین شهید در اسلام کی بود؟

باز هم او یک زن بود یعنی "بی بی سمیه" مادر عمار بن یاسر (رض). اسلام به زنان خدمات شایانی کرده است. اسلام در آغاز طلوع خود، یکی از برنامه های اساسی اش را بر مبنای بازبستاندن حقوق از دست رفتهء زنان قرار داد.

پیامبر (ص) به یاران خود پیوسته در مورد زنان سفارش میکرد، زنان را امانت خدا میخواند و میفرمود: زنان در نزد شما امانت خدایند. احترام آنان را نگه دارید.

آری! زنان تحت حمایت پیامبر خدا این چنین پر و بال گشوده بودند، آن هم در روزگاری که غالباً میدانیم تا چه اندازه زن در جزیره العرب خوار و بی مقدار انگاشته میشد.

از همه دولتمردان آرزومندم: تا به پیروی از دین مبین اسلام و ارشادات الهی و بنوی حقوق زنان را مراعات نمایند و فرصت آن را مساعد سازند تا زنان در عرصه های مختلف نقش سازنده شان را ایفاء نمایند و جامعه بسوی رفا و ترقی رهنمون شوند. زن آینه مهر، عطوفت، مظهر وفا، صفا، تقوا و پایداری است. زن و مرد یکسان و از یک نفس آفریده شده و از یک اصل و منشاء خلق گردیده اند. زن اگر در خصلت و طبع با مرد تفاوت دارد، در اساس انسانیت با مرد برابر است. زن به حکمت الهی به هدف زایش، تداوم نسل ها و عنصر اساسی و هسته اصلی تشکیل خانواده خلق شده است. زن موجب موجب بقای نسل انسان و ادامه حیات آدمی است.

زن همان گونه که در کلام خداوند(ج) موجود مکرم و دارای گوهر مشترک با مرد معرفی شده است، در معارف علمی نیز هر نوع تبعیض و فروتری و تفوق طلبی یکی بر دیگری، غیر عقلانی و غیر قابل قبول دانسته شده است.

منزلت زن نسبت به مرد در دین مبین اسلام بیشتر بوده، همان طوریکه حضرت ابوهریره روایت میکند: "مردی به حضور پیامبر اسلام(ص) آمد وگفت چه کسی بیشتر

بر من حق دارد که با او به خوبی رفتار نمایم؟ پیامبر گرامی فرمودند مادرت، باز آن شخص پرسید، پس از مادر چه کسی بالای من حق دارد؟ مجدداً فرمودند، مادرت و این کلمات را پیامبر اسلام (ص) سه بار تکرار کرد و در مرتبه چهارم فرمودند که با پدرت نیز با نیکو کاری رفتار کن و پدرت بعد از مادرت بالایت حق دارد.

ازینکه زن یک موجود فعال و نیم پیکر جامعه است فلهذا برای زن و حق زن احترام باید داشت. که سهم زنان در اداره عامه از یک طرف جامعه مثبت و فعال را بوجود می آورد و از جانب دیگر فقر و غربت را کم میسازد.

همه مردم متکی به خود میشوند، بصورت تدریجی تحقیر، خود برتر بینی و کم بینی دیگران از بین میرود، سرانجام عزت نفس در هر فرد بوجود میآید، تحقیر شدن و تحقیر کردن به فراموشی سپرده میشوند و به اصطلاح این دست به آن دست دیگر محتاج نمیباشد و همه راجع به زندگی و سرنوشت مشترک خود فکر میکنند.

قابل یاد آوری است که در جوامع پیشرفته نه تنها به مقام زن تعظیم می کنند بل که زمینه های راهیابی اش را در عرصه سیاسی؛ اجتماعی؛ اقتصادی و فرهنگی فراهم می آورند ما متأسفانه در جوامع عقب مانده تاکنون که هنوز است، نه تنها از جنس لطیف و زیبا جز در مواردی اقتصادی مطلوب نمی کنند و زمینه های رشد اش را مساعد نه می سازند بلکه مورد تهدید خشونت و لطمه و کوب نیز قرار داده به نظریات اش اهمیتی قایل نیستند مسلماً اکثریت زنان کشور ما، در دهات و قریه ها، با آنکه نقش سازنده و مهمی در تولیدات صنعتی، اقتصادی و زراعتی محل خود قرار دارند. ولی شدید ترین بار مصایب، خشونت و بدبختی را متحمل شده، تحت ضربات کشنده و فشارهای ورحی و جسمی قرار می گیرند.

زنان نصف نفوس کشور را تشکیل می دهند، جای دارد که باتوجه به اصل حقوق شهروندی، مطابق قانون اساسی، مانند مردان، در هبری و مدیریت ارگان های تصمیم گیرنده کشور، به سطح ملی و بین المللی مشارکت فعال پیدا نمایند. تقرر محدودی از زنان به شکل سمبولیک، و فرمایشی، به معنی رعایت دقیق حقوق زنان نبوده و زنان به چنین پالیسی های شعارگونه هیچگاه توافق نداشته و مشارکت شان را در قدرت قناعت بخش ندانند.

یکبار دیگر می‌خواهم بادر نظر داشت دین مبین اسلام، قوانین ناقذه ملی و قوانین بین المللی به زن و مقام زن نگاه کنیم. از دیدگاه دین مقدس اسلام: دین اسلام باتعالیم والایش بسوی بشریت آمده که در برخی از این تعالیم اکرام واحترام زن دیده می‌شود، جایگاهش والابزرگ محفوظ میدارد. اسلام چنین اهمیت والایی رابه زن میدهد، بسیاری از تکالیفی که در زمان جاهلیت بدانهامشغول و مکلف بوده است از او براشته است. در زیر نمونه های از این تکالیف، که با آمدن اسلام، بانص کتاب خداوند(ج)، گشایش دران ها حاصل شد.

در زمان جاهلیت هنگامیکه زن دختری به دینا می‌آورد، مردبه شدت خشمگین می‌شد وزیادتر موارد دختران را زنده به گور می‌کردند. خداوند این دگرگونی بی اساس را بر آن ها عیب گرفته صدور آنرا جز از انسان های نادان ندانسته است. چه بسیار دخترانی برای والدین نعمت و چه بسیار پسرانی برای والدین عذاب اند. اسلام در حالیکه کشتن نفس را به نا حق حرام دانست و در شان و مقام این دختران زنده به گور شده در سورت تکویر آیات 8 و 9 فرموده است:

ترجمه: " و آنگاه که از والدین دختران زنده بگور شده پرسیده شود، به سبب کدامین گناه کشته شدند."

در زمان جاهلیت بعضی از والدین زن بیوه را از ازدواج مجدد تا زمان مرگش منع میکردند، به منظور به ارث بردن دارایی اش یا اینکه می‌بایستی به منظور کسب رضایت به ازدواجش مالی به پدرمی پرداخت و نیز بعضی از مردان، آنگاه که همسرش مجبور به انجام کار سخت میکرد و او قادر به انجامش نبود، او را طلاق نمیداد، مگر اینکه به او مالی بدهد یا مهریه اش به او بخشد.

برخی مردم در قدیم گمان میکردند، زنان دارای روح جاویدان نیستند و در بهشت برین با مردان نخواهند بود و این عقیده پا به عدم لزوم دین برای زنان به شمار میرفت، لیکن قرآن این گمان را باطل ساخت. وقتی اعلام کرد، که هرکس کار نیک انجام دهد، خواه زن و خواه مرد، همگی در بهشت برین وارد خواهند شد. و جای دیگری فرمود: من هیچگاه عمل نیک شما را چه مرد و چه زن ضایع و بی اجر نخواهم گذاشت.

در میان ملت های اروپا بعضی معتقد بودند، که زنان را نباید در شمار دین داران آورد و از این رو آنان را از خواندن کتاب مقدس محروم میکردند. در صورتیکه در قرآن هر جا سخن از مسلمان یا مومن آمده، زن و مرد هر دو با هم در آیات مبارک ذکر شده.

جمعی از مردم در قدیم زن را حقیر و پست شمرده و او را شایسته همکاری و اشتراک مساعی با مرد نمیدانستند، تا آنکه اسلام آمد و گفت: مردان و زنان با ایمان همه گی دوستان و شریک یکدیگر اند، که مردم را به نیکی امر و از بدی نهی میکند.

از دیدگاه قوانین ملی: قانون اساسی- قانون اساسی هر کشور به عنوان آینه تمام نمای حقوق شهروندان آن کشور محسوب شده و باید در آن حقوق زن و مرد به طور عادلانه و مساوی در نظر گرفته شود، با توجه به اینکه در طول سالیان متمادی زنان مملکت ما از حقوق انسانی خود دور نگهداشته شده اند، ضرورت است، که برای رفع کلیه تبعیض ها نسبت به آنها راهکارها و قوانین مناسب و کار آمدی تصویب شود، که این امر در درجه اول وظیفه زنان آگاه، تحصیل کرده و متعد ما میباشد، که آنان نیز تا اکنون تلاش کرده اند، از طریق مختلف نظرات خود را بیان داشته و از حقوق زن ستمدیده افغانی دفاع نمایند، از تاریخ چهار جنوری سال 2004 میلادی به این طرف افغانستان دارای قانون اساسی جدید است، که در آن زنان و مردان در مقابل قانون مساوی اند، این مساوات شامل حقوق سیاسی مانند انتخاب کردن و انتخاب شدن میباشد.

و نیز به تاسی از حکم مندرج ماده 79 قانون اساسی افغانستان، قانون منع خشونت علیه زنان را که به اساس مصوبه شورای وزیران بداخل چهار فصل و 44 ماده تائید و توسط ریس جمهور توشیح گردیده است. در این قانون حقوق زنان بر شمرده شده و خشونت علیه زنان ناروا دانسته، زنان و مردان را مساوی الحقوق میدانند.

از دیدگاه قوانین بین المللی: اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوبه 10 دسامبر 1948 میلادی مطابق 19-9-1327 هجری شمسی، درین اعلامیه برای تمام بشریت و زنان که بخش زیادی از جامعه جهانی را تشکیل میدهند تمام حقوق آن ها در نظر گرفته شده است. مثلاً: داشتن حق آزادی، کرامت، مصئونیت، غلام نبودن، داشتن حق مساوی در برابر قانون، تجاوز به حقوق اساسی زنان صورت نگیرد، حق تغیر محل و بودوباش، حق پناهندگی، حق تابعیت، حق ازدواج، حق مالکیت فردی و جمعی، حق آزادی فکر و اندیشه، حق شرکت در فعالیت های سیاسی، حق شرکت در اداره کشور، حق مصئونیت

اجتماعی، حق کار و تشکیل اتحادیه، حق استراحت و تفریح، داشتن حق زندگی خانواده گی، حق آموزش و پرورش، حق سهم گیری در فعالیت های علمی و کلتوری و حق زندگی در نظام اجتماعی مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر تعیین و مشخص گردیده است.

در اخیر از تمام قلم بدستان و کتاب دوستان خواهشمندم که دست بدست هم داده، کار و فعالیت های علمی را با در نظر داشت دین مبین اسلام، قانون اساسی کشور و قانون جهانی با وحدت نظر و عمل هم از مرد و زن ادامه داده تا به یک جامعه کاملاً عدالت گستر برسیم به مقام و جایگاه زن همه مردم بخصوص مردان احترام بگذارند.

با احترام

مأخذ:

1. کتاب زبان ادبیات دری مکاتب
2. کتاب بررسی ابعاد خشونت علیه زن در افغانستان
3. جریده رسمی، اسد 1388
4. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان
5. مجله نسوان، حوت 1383